

شرکتهای چند ملتیی و فرا ملتیی:
قسمت سوم

رابطه نتایج استقراض و قدرت سیاسی و اقتصادی

محمدرضا حافظ نیا



شرکتهای چند ملتیی که به غلط به این عنوان معروف شده اند، شرکتهای انحصاری بزرگی هستند که در تولید و توزیع کالا و خدمات در جهان، نقش مهمی دارند. برخلاف تصویری که از عنوان مزبور در ذهن ایجاد می شود که شرکتهای چند ملتیی تعلق به چند ملت یا کشور دارند متأسفانه، باید گفت که این شرکتهای شبکه انحصاری تولید و توزیع کالا در سطح کشورهای جهان هستند که مالکیت و هدایت و رهبری آنها در دست سرمایه داران بزرگ غربی بویژه آمریکا، انگلستان، فرانسه، کانادا، هلند، ژاپن، آلمان و غیره میباشد. این شرکتهای از نظر سازماندهی دارای یک مرکزیت فرماندهی و هدایت در کشور اصلی و مادر، و شبکه ای از شرکتهای فرعی تابعه در کشورهای مختلف هستند، شرکتهای فرعی بعنوان اجزای پیکر کلی شرکت چند ملتیی و تابع دستور و استراتژی شرکت اصلی و مادر میباشد. از اینگونه شرکتهای گاهی به شرکتهای ماهواره ای نیز تعبیر میشود. بنابراین، شرکتهای چند ملتیی گستره جهانی داشته و بصورت یک کمپانی بزرگ در قلمرو کشورهای مختلف جهان عمل میکنند و بدین لحاظ شاید بهتر باشد که آنها را شرکتهای جهانی و بین المللی بنامیم.

امروزه بیش از چهارصد شرکت جهانی وجود دارد که در مالکیت کشورهای بزرگ صنعتی غرب می باشند و مجموعاً اقتصاد جهانی را کنترل و هدایت می نمایند و برای نمونه میتوان از شرکتهای جنرال موتورز، فورد، آی. بی. ام آمریکا، فیلیپس، هوست و بایر آلمان و میتسوبیسی و هوندا و نیون و تویوتای ژاپن

و کارتلهای نفتی رویال داچ شل و گلف و استاندارد اویل آف نیوجرسی و تکراکو نامبرد که هر کدام در زمینه خاصی از برق، الکترونیک، ماشین و غیره فعالیت داشته و شبکه تولید و توزیع آنها در جهان بعهده دارند. لازم بتوضیح است که شرکتهای مزبور در اثر رقابت ناشی از اقتصاد بازار آزاد سرمایه داری غروب بحالت انحصار رسیده و پس از انحصاری کردن فعالیت، اقدام به گسترش شبکه خود در جهان نموده و به یک غول اقتصادی تبدیل شده اند.

از مشخصه های عمده شرکتهای چند ملتیی و یا جهانی سرمایه گذاری در کشورهای دیگر بویژه کشورهای جهان سوم است که با این کار در واقع شبکه شرکت گسترش یافته و در کشور سرمایه گذاری شده (میزبان) یک واحد فرعی تابع شرکت مادر بوجود می آید. ادامه این وضع شرکت را به قدرت اقتصادی بزرگی رسانده بشوی که درآمد سالیانه آنها از درآمد بعضی از کشورهای جهان بیشتر می شود.

مشخصه عمده دیگر این شرکتهای، سودجویی و

افزایش حجم سرمایه و گسترش شبکه آن در جهان است و در واقع سیاستگذاران و مدیران شرکت اصلی و مادر فعالیتهای سرمایه گذاری خود را با شاخص سود مورد ارزیابی قرار می دهند و در مکانیابی سرمایه گذاری سعی می کنند مکانهایی را انتخاب نمایند که حداکثر سود سریعترین بازده و تضمینهای لازم را داشته باشد و از طرفی برای به حداکثر رساندن سود دست به اقدامی که لازم باشد می زنند و ابائی هم ندارند (حتی سرنگونی دولتها و حکومتها).

عوامل مؤثر در سرمایه گذاری توسط شرکتهای:

همانطور که ذکر شد، شرکتهای چند ملتیی و جهانی، عمدتاً نقش سرمایه گذار را بازی می کنند و معمولاً بدنبال سود و منفعت بیشتر می باشند و لذا در امر سرمایه گذاری به جنبه های مختلفی توجه دارند و وجود این جنبه ها در جنب سرمایه های آنان تأثیر زیادی دارد که عمده عبارتند از:

۱- دستمزد: سطح دستمزد از عوامل مؤثر در سرمایه گذاری توسط شرکتهای مزبور است و چون در کشورهای عقب افتاده و جهان سوم آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین سطح دستمزد پائین است بهمین دلیل شرکتهای رغبت بیشتری برای سرمایه گذاری از خود نشان می دهند.

۲- منابع: وجود منابع اولیه و یا واسطه ای که در زنجیره تولید نقش داشته و یا امکان دست یابی و سهل الوصول بودن آنها وجود دارد جذب سرمایه مؤثر است.

۳- وجود تأسیسات و زیرساختها: سرمایه گذار واحد تولیدی که با هدف سود بیشتر عمل می کند، سعی می نماید مکانی انتخاب کند که تأسیسات و زیرساختهای مورد نیاز چون آب، برق، راه، خدمات، ارتباطات و غیره تأمین باشد، در غیر اینصورت، بخش زیادی از سرمایه اش را باید به مصرف ایجاد تأسیسات مزبور برساند که برایش صرفه اقتصادی ندارد و لذا وجود آنها انگیزه قوی برای سرمایه گذاری

می باشد. به همین دلیل اکثر صنایع مونتاژ و وابسته به شرکت‌های جهانی در کنار شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم بوجود آمده‌اند چونکه زیربناهای مورد نیاز و همچنین نیروی انسانی و بازار مصرف تولیدات در داخل و پیرامون شهرهای مزبور وجود دارد.

۴- ثبات سیاسی: وجود ثبات سیاسی و تضمین امنیتی از عوامل مهم جذب سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های مزبور در کشورهای جهان سوم است و شرکت‌ها در کشورهایی که فاقد ثبات لازم هستند و آمیدی به بقای بلندمدت دولتهای آنها وجود ندارد کمتر حاضر به سرمایه‌گذاری هستند مگر اینکه تضمینهای ویژه و یا سودآوری فوق‌العاده و یا امتیازات خاصی از سوی دولتهای میزبان و سرمایه‌پذیر وجود داشته باشد تا مدیریت شرکت مادر را برای سرمایه‌گذاری متقاعد نماید هر چند متقابلاً شرکت‌های چندملیتی از قدرت و نفوذ خود در ثبات و تحکیم دولتهای طرفدار خود و براندازی دولتهای مخالف خود استفاده می‌نمایند.

۵- سیاست‌های دولت: سیاست‌های دولت در زمینه تعرفه‌های بازرگانی، اجازه خروج سود حاصلی از سرمایه‌گذاری، از کشور، اخذ مالیات و ارائه خدمات لازم و سایر موارد، در جذب سرمایه‌های شرکت‌های چندملیتی نقش تعیین‌کننده‌ای را دارد. مهمترین مسئله‌ای که برای شرکت‌های سرمایه‌گذار مطرح است میزان سوددهی سرمایه‌گذاری و میزان مجاز خروج آن از کشور است و دولتها بویژه در کشورهای جهان سوم چون مشکلاتی در زمینه تولید و تعدیل تراز پرداختهای خارجی و اشتغال را در اثر کمبود سرمایه دارند و با کمک سرمایه‌گذاری باید آنها را برطرف نمایند معمولاً از سرمایه‌گذاران جهانی استقبال نموده و امتیازات خاصی را از قبیل معافتهای مالیاتی، تأمین بعضی نیازها، تسهیلات خروج سود استحصالی و غیره برای شرکت‌ها فراهم می‌نمایند.

۶- محدودیتهای زیست محیطی: مشکلات آلودگی محیط زیست در کشورهای صنعتی باعث ایجاد محدودیتهای قانونی و

حقوقی برای سرمایه‌گذاری و توسعه شرکت‌های مادر شده است و آنها را وادار به توسعه در خارج از مرزهای کشور خود می‌نماید و چون اکثر کشورهای جهان سوم به سرمایه‌گذاری و تولید اقتصادی می‌اندیشند و تصور می‌کنند با فراهم کردن امکانات برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی، خواهند توانست بر مشکلات خود فائق آیند؛ بنابراین به این عامل مهم زیست محیطی که با زندگی روزمره مردمشان در ارتباط مستقیم است توجهی نمی‌کنند و اجازه سرمایه‌گذاری‌های بی‌رویه و بدون کنترل از حیث جنبه‌های زیست محیطی را به آنها می‌دهند. در واقع محیط زیست سالم خود را قربانی یک هدف کاذب می‌نمایند و شرکت‌های چندملیتی از این زمینه مستعد استفاده نموده و صنایع آلودگی‌زا و خطرناک خود را به کشورهای جهان سوم منتقل می‌نمایند (فاجعه کارخانه شیمیایی بونیون کارباید در سوپال هند) و لذا فضای آلوده شهرهای جهان سوم را بوجود آورده‌اند. (تهران - قاهره - کراچی - کلکتا و غیره).

بطور کلی شرکت‌های چندملیتی با توجه به زمینه‌های مساعد اقتصادی، اجتماعی و قانونی در کشورهای جهان سوم از سرمایه‌گذاری در اینگونه کشورها استقبال نموده و از این رهگذر سود سرشاری را نصیب خود می‌نمایند. در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ مجموع سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای توسعه‌یافته برابر با ۶۲۶۱۵ میلیارد دلار بوده است که در همین مدت مبلغ ۱۳۹۷۰۳/۰ میلیارد دلار سود به شرکت‌های چندملیتی کشورهای سرمایه‌گذار برگشت شده است (منبع-ص ۱۰۳ کتاب مشکلات اقتصادی جهان سوم) یعنی بیش از دو برابر سرمایه ملی یک دوره دهساله سود نصیب شرکت‌های سرمایه‌گذار شده است.

عملکرد شرکت‌ها:

شرکت‌های چندملیتی و جهانی سیاست‌ها و کارکردهائی دارند که عموماً بضرر کشورهای جهان سوم و عقب افتاده تمام می‌شود. این

رفتارها و کارکردها در جهت حفظ موقعیت و سیطره خود بر جریانات اقتصادی مربوط بخود در جهان و بدست آوردن سود بیشتر صورت می‌گیرد که به چند نمونه از اینگونه رفتارها اشاره می‌شود:

۱- کنترل شرکت‌های فرعی و وابسته نگهداشتن آنها به خود: شرکت مادر به شرکت فرعی که در کشورهای دیگر ایجاد شده است اجازه تصمیم‌گیری خارج از سیاستها و استراتژی‌های شرکت مادر را نمی‌دهد و شرکت‌های تابعه ملزمند مواد اولیه و ماشین‌آلات و کالاهای واسطه‌ای و قطعات یدکی و تکنولوژی مورد نیاز را از شرکت مادر و یا سایر شعبات فرعی تابعه تأمین نمایند و توزیع کالاهای تولیدی نیز در چارچوب سیاست‌های شرکت مادر انجام می‌پذیرد.

۲- سعی بر استفاده از امکانات کشور میزبان: شرکت‌های چندملیتی با علم به نیازمند بودن کشورهای جهان سوم با سرمایه‌گذاری خارجی در آن کشور تلاش می‌کنند حداکثر امتیازات سیاسی، اقتصادی، قانونی و حقوقی را بدست آورند و لذا امکاناتی چون تخفیف‌های مالیاتی، عوارض گمرکی، آزادی عمل جابجائی سرمایه و سود حاصل از سرمایه‌گذاری، ماشین‌آلات، وام، زمین، تأسیسات زیربنایی و تضمینهای سیاسی و امنیتی دیگر مورد نظر شرکت‌هاست که معمولاً از دولتها کسب می‌کنند. طبیعی است که در چنین وضعیتی آنها مصالح کشور جهان سوم از قبیل حفظ محیط زیست و کمک به توسعه اقتصادی و صنعتی آنرا در نظر نخواهند داشت.

۳- انتقال صنایع و تکنولوژی از رده خارج و آلوده‌ساز به کشورهای جهان سوم: معمولاً شرکت‌ها سعی می‌کنند تکنولوژی‌هایی که در کشورشان از رده خارج شده ولی برای کشورهای عقب افتاده و جهان سوم تازگی دارد و نیز صنایعی که آلودگی‌ساز و خطرناک هستند و از ادامه فعالیت آنها در کشورشان ممانعت بعمل می‌آید را به اینگونه کشورها منتقل نمایند. ادامه دارد